شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

اشنبه

سال هفدهم
۵ مرداد ۱۴۰۴
۲ صفر ۱۴۴۷
شماره ۴۵۳۹

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز شهرداری مشهد
مدیرمسئول سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
نمابر ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۲۷٪

صبح	۲۷
ظهر	۳۳
عصر	۳۰
شب	۲۷

↑ ۳۴ ↓ ۲۳

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۳۸:۰۵	نیمه شب شرعی	۲۲:۴۸:۱۴
غروب آفتاب	۱۸:۴۱:۲۹	اذان صبح فردا	۰۲:۵۶:۰۸
اذان مغرب	۱۹:۰۱:۴۵	طلوع آفتاب فردا	۰۴:۳۵:۲۹

کارتون شهر

رضا جنگی

یک متخصص قلب و عروق نسبت به کاهش سن سکته قلبی در کشور هشدار داد.

منبع: خبرگزاری مهر

شوخی بی‌شوخی

فشار خون خودتان کم نشود آقای وزیر!

مهدی محمدی
طنزپرداز

وزیر نیرو گفته است که بابت کاهش فشار آب عذرخواهی می‌کنم.

● راستش آقای وزیر، ما راضی نبودیم سر یک کاهش فشار آب، به شما فشار بیاید و فشارخون شما هم پایین بیفتد.

● اصلا چرا باید عذرخواهی کنید وقتی تأثیری در فشار آب اتفاق نمی‌افتد مخصوصا که یک جورهایی تقصیر خود ما مردم هست. تقصیر مغز خودمان است که هر وقت سطح آب بدنمان کم می‌شود آن را تشخیص می‌دهد و به ما دستور می‌دهد بروید آب بخورید و منابع آبی کشور را تهدید کنید.

● اگر قرار است کسی عذرخواهی کند شما نیستید بلکه ابرهایی مثل کومولونیمبوس و نیمبواستراتوس هستند که نیامدند درست و حسابی ببارند و تنها ابری که زیاد دیدیم و البته باران‌زا نبود همین ابربدهکارهای بانکی بودند که هر چند، هر سال زیادتر می‌شوند ولی در رفع خشک‌سالی مؤثر نیستند.

● تصور کنید باب شود که هر وزارتخانه‌ای بابت هر قصورش عذرخواهی کند! آن وقت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. همین وزارت صنایع اگر قرار بود بابت کیفیت عجیب هرکدام از قطعات پراید عذرخواهی کند که از سال تولید پراید تا الان هم عذرخواهی این شرکت تمام نشده بود. آن وقت دیگر باید به چارت هر وزارتخانه‌ای یک «معاونت عذرخواهی و ببخشید این طوری شد!» هم اضافه می‌شد.

● اگر قرار باشد سر هرچیزی عذرخواهی کنید در همین وزارتخانه خودتان هم باید هر روز یک فهرست بلندبالای عذرخواهی درست کنید و اول بابت اینکه قبل از ساعت مقرر برق رفت باید عذرخواهی کنید. بعدش به خاطر اینکه بعد از ساعت مقرر رفع خاموشی هم برق نیامد عذرخواهی کنید. بعدش به خاطر اینکه بعضی وقت‌ها برق خارج از برنامه خاموشی قطع می‌شود باید عذرخواهی کنید. بعدش به خاطر اینکه زمستان ۱۴۰۳ گفتید در تابستان ۱۴۰۴ قطعی برق نخواهیم داشت ولی تا الان قطعی از تابستان ۱۴۰۳ هم بیشتر بوده است باید عذرخواهی کنید. حتی باید بابت اینکه با این همه توسعه تکنولوژی و پیشرفت علم، برق هر روز بیشتر از دیروز دارد قطع می‌شود هم عذرخواهی می‌کردید.

● کاش دفعه بعد به جای عذرخواهی از دوگزینه خوب دیگر روی میز استفاده کنید که امتحان خودشان را هم پس داده‌اند. گزینه اول که بیندازید تقصیر مسئولان قبلی. گزینه دوم هم این است که تقصیر مصرف زیاد مردم بیندازید.

اول شخص

برای «سردار دکتر فضل‌ا... نوذری» جانشین عملیات قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) که به دست رژیم صهیونی به شهادت رسید

او رفت تا وطن بماند

مریم شیعه|«اشلو» را نه تنها یک ایران، بلکه حتی عراقی‌ها هم می‌شناسند. اشلو فرمانده گردان والفجر است. همان که صدام برای سرش جایزه گذاشته است و رادیو عراق هرازگاهی بلوف می‌زند که اشلو را به شهادت رسانده‌است. لقب اشلو آن‌قدر دهان به دهان چرخیده است که دیگر کسی فرمانده را به اسم و فامیل واقعی‌اش، «مرتضی جاویدی» نمی‌شناسد. مرتضی سر نترسی دارد. به او می‌گویند اشلو، آن‌قدر که میان عراقی‌ها حال‌واحوال کرده است. فکرش را بکن! یک فرمانده گردان ایرانی، خودش را میان عراقی‌ها به‌عنوان سرباز جا بزند و از آن‌ها اطلاعات بگیرد. به محض دیدنشان دست بالا کند و بگوید: «أی شَی لَونُکَ... اشلونک... یا اخی... صباح الخیر!». وقتی در عملیات غیرممکن والفجر ۲ گردان پیروز می‌شود، اشلو تکیه‌گاه رزمندان است. بعد از آن عملیات دیگری به والفجری‌ها محول می‌شود. عملیاتی که خودشان هم نامش را «بدون بازگشت» می‌گذارند. قرار است در کوهستان‌های صعب‌العبور، رزمندگان با پای پیاده حرکت و پایگاه هوایی دارالسلام دشمن را منهدم کنند. این پایگاه در چهل‌کیلومتری خاک عراق است و برای رسیدن به آن، روزها پیمایش کوهستان، با سراشیبی‌ها و سربالایی‌های تند لازم است. از طرفی احتمال بازگشت از آن فقط یک درصد است. وقتی اشلو می‌خواهد گردان را به سه تیم عملیاتی و کم تعداد شش، هفت نفره تقسیم کند، فضل‌ا... دستش را بالا می‌برد و فرماندهی یکی از تیم‌ها را عهده‌دار می‌شود. او و تیمش راهی می‌شوند. مسیر کوهستانی، پرخطر و در دید دشمن است. سه روز تمام این مسیر را پیمایش می‌کنند و وقت‌های خالی‌شان را به نیایش می‌گذرانند. می‌دانند آخرین نفس‌هایشان است. می‌دانند تا چند روز دیگر، هیچ اثری از آن‌ها باقی نخواهد ماند و بعثی‌ها حتی به جسم بی‌جانشان هم رحم نمی‌کنند. فضل‌ا... در لحظه لحظه این سه روز، به سربازانش درس ایثار و وفاداری می‌دهد. روز مأموریت، صدایی در بیسیم می‌پیچد. صدا می‌گوید «عملیات لغو شده است و فورا برگردید». فضل‌ا... بی‌تردید اطاعت می‌کند و بی چون‌وچرا تمام این مسیر را باز می‌گردد.

گوش به فرمان

فضل‌ا...، شخصیتی مقتدر و کاریزماتیک دارد اما مغرور نیست. در زندگی بارها و بارها خواست خودش را قربانی مصلحت کشور می‌کند. هیچ‌وقت چون و چرا نمی‌کند و هر زمان، در سلسله مراتبی که به آن ایمان دارد، وظیفه‌ای به او محول شود فورا و با آغوش باز می‌پذیرد. متولد کازرون است. از بزرگ‌ترین حسرت‌های زندگی‌اش، جاماندن از غافله شهدای دفاع مقدس است. او با نبوغی که از خود در جنگ هشت‌ساله نشان می‌دهد، خیلی زود به یکی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدل می‌شود. کسی که او را با تعهد و سابقه درخشان به خاطر می‌آورند. برای امنیت کشور در تکاپوست. در زمینه علوم سیاسی مطالعات بسیاری دارد و چند پژوهش درخصوص مسائل امنیتی کشور انجام می‌دهد. او مرد میدان است، اما هرازگاهی قلم دست می‌گیرد و در نشریات علمی و پژوهشی کشور مقاله منتشر می‌کند. تا آنجا ادامه تحصیل می‌دهد که مدرک دکترایش را اخذ می‌کند. رسالت دیگرش را در مستندسازی زندگی شهدا می‌بیند. زیاد از آن‌ها می‌گوید و می‌نویسد. می‌گوید روایتگران دفاع مقدس، جهادگران تبیین‌اند و از دانشگاهیان می‌خواهد، حماسه آن روزها را از خاطر نبرند. سال‌ها از دفاع مقدس می‌گذرد، اما سردار پاسدار، بخشی از وجودش را در آن روزها جاگذاشته است.

جای خالی او

سردار پاسدار دکتر «فضل‌ا... نوذری» جانشین عملیات قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) بود که در بیست‌وهفتم خرداد به شهادت رسید. او در پی حملات تروریستی رژیم صهیونیستی به تهران، آسیب جدی دید و پس از چند روز، بر اثر صدمات ناشی از انفجار به جمع یاران شهیدش پیوست. پیکر او در هشتم تیرماه، در شهر کازرون تشییع و به خاک سپرده شد. او می‌دانست که امنیت بهایی دارد و حاضر بود هر بهایی را برای آرامش کشورش بپردازد. حتی اگر آن بها جانش باشد. پاسداری از خاک ایران، برای او در لباس و منصب خلاصه نمی‌شد. او عاشق این خاک بود و از خطر کردن ابایی نداشت. وقتی که پرتابه دشمن منفجر شد، زمین نلرزید و آسمان غرش نکرد اما چیزی در دل وطن شکست. ایران عزیز یکی از سربازان وفادار و جان‌برکف خود را از دست داد.

شهربازار

درباره بازاری در گوشه شرقی شهر که همه چیز در آن یافت می‌شود

شُتُرک و آدم‌های جمعه

حسن احمدی‌فرد
روزنامه‌نگار

جمعه که روز خرید و فروش نیست، روز عبادت است و استراحت و دید و بازدید. شاید برای همین هم هست که جمعه بازارها، با همه شلوغی و پرمشتری بودنشان، بازارهایی نه چندان دائمی به شمار می‌روند، بازارهایی برای فروشنده‌های کوله به دوش، برای مشتری‌هایی که بیشترشان آمده‌اند برای تماشا، برای گذران وقت. با همه این‌ها، البته که آن لابه‌لاها خرید و فروش هم فراوان است. جمعه بازارها بازارهایی هستند متفاوت با ویژگی‌هایی که مختص خودشان است. بازارهایی پرهیاهو که انگار فقط جمعه‌ها می‌توانند سرپا باشند. بازارهایی که به معنای دقیق ضرب‌المثل از جان مرغ تا شیر آدمیزاد در آن‌ها یافت می‌شود. «جمعه‌بازار مشهد» هم دقیقا همین است، بازاری شلوغ که هر جمعه در انتهای بولوار طبرسی شمالی، در جاده «شیرحصار»، جاده «شترک»، جان می‌گیرد. جنس جمعه‌بازار مشهد (بازار شهید شوشتری) از آن جنس‌هاست که فقط این طرف شهر می‌تواند سرِ پا بشود. جمعه‌بازار، قبل از اینکه بیاید و بشود جمعه‌بازار شترک، جایش در انتهای جاده‌ای بود که از «مهرآباد» صاف می‌رفت به سمت بیابان‌های بیرون شهر، زمینی پرت‌افتاده بر سر راه «مهدی‌آباد» و قنات قدیمی و درخت‌های تناور توتش. «بولوار میامی» را که درست کردند، دیگر جمعه‌بازار آن‌قدر شلوغ شده بود که باید فکری به حالش می‌شد. این شد که بازار، با همه بزرگی‌اش، کوله‌بارش را انداخت روی دوشش و آمد انتهای طبرسی شمالی، در نزدیکی راهی که از ته محله «پنج‌تن»، صاف می‌رود تا «امامزاده‌های تبادکان». اینجا البته یک اسم آشنای دیگری هم دارد، شترک. شاید من و شما ندانیم، اما ساختمانی در شهر نیست که تکه‌ای از خاک شترک را در خودش نداشته باشد. این محله حاشیه‌ای، از همان روز و روزگار «حاجی رستگارمقدم»، محله کوره‌ها و کوره‌پزخانه‌ها بوده و هنوز هم کم و بیش هست. محله مظلوم کوره‌ها و کوره‌پزخانه‌ها. محله رنجور کوره‌ها و کوره‌پزخانه‌ها. می‌بینید چه قرابت غریبی جمعه‌بازار را کشانده به این گوشه شرقی شهر.

حالا هر جمعه، آدم‌ها از دور و نزدیک، از چهارگوشه شهر می‌آیند به جاده شترک. به میدانگاه بزرگی که میزبان فروشنده‌ها و مشتری‌های روز جمعه است. میزبان آن‌هایی که آمده‌اند چیزی بفروشند یا چیزی بخرند یا ساعتی را نفس به نفس آدم‌ها بگذرانند در شلوغی جمعه‌بازار میزبان آدم‌های جمعه. بازار شهید شوشتری البته تنها جمعه‌بازار مشهد نیست. چندتایی بازار دیگر هم جمعه‌ها جان می‌گیرد در گوشه‌وکنار شهر «جمعه‌بازار همت‌آباد» یکی‌شان و «جمعه‌بازار جاده شاهنامه» دیگری. فقط هم این‌ها نیستند. چند تایی بازار از جنسی دیگر هم هستند که جزو بازارهای شلوغ جمعه‌های مشهدند. درباره یکی دوتایشان، همین جا در همین ستون می‌نویسم.

چهره روز

جف دنیلز، بازیگر امریکایی و منتقد ترامپ:

به زورگویی عادت کرده‌ایم

جف دنیلز، بازیگر شناخته‌شده آمریکایی، در گفت‌وگویی تلویزیونی، دونالد ترامپ را نماد همه کاستی‌های ایالات متحده و بشریت دانست و گفت که از سقوط نجابت سیاسی در آمریکا نگران است. جف دنیلز، بازیگر آثاری چون «اتاق خبر» و «احمق و احمق‌تر»، وضعیت سیاسی در آمریکا و دونالد ترامپ را مورد انتقاد قرار داد و گفت ترامپ نه‌تنها مظهر همه نقص‌های آمریکا بلکه، نماد نواقص بشر است. ما تمدن خود و احترام به قانون را از دست داده‌ایم. ما عادت کرده‌ایم به تحقیر در فضای مجازی، عادی‌سازی زورگویی و خشونت کلامی.

بازتاب

دولت فلسطین آمار خبرنگاران شهید را اعلام کرد

خاموشی صدها صدای آزادی‌خواه

صهیونیست‌ها متجاوزانه در حال نسل‌کشی در سرزمین‌های اشغالی هستند، مرد و زن و کودک و غیرنظامی ندارد، هیچ بشری و هیچ موجود زنده‌ای در نوار غزه در امان نیست. خبرنگاران هم از جمله کسانی هستند که اسرائیل با به شهادت رساندنشان بازهم پا روی قوانین حقوق بشر گذاشته است.

دفتر رسانه‌ای دولت فلسطین اعلام کرده است که از آغاز حملات رژیم صهیونی به غزه تاکنون ۲۳۲ خبرنگار به شهادت رسیده‌اند. این آمار پس از به شهادت رسیدن آدم‌ابوحریید عکاس خبری فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی اعلام شده است. باوجود درخواست‌های دولت فلسطین از نهادهای بین‌المللی برای حمایت از خبرنگاران و تضمین امنیت جانی آن‌ها، همچنان شاهد شهادت خبرنگاران در نوار غزه هستیم. کسانی که صدای مردم بی‌پناه و گرسنه در غزه‌اند.